

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



خطبه فکیده

تدابیر جنگی مقتلوم

مرحوم علامه شرف الدین رحمته الله علیه:

«وَلِلزَّهْرَاءِ عليهن السلام حُجَجٌ بِالْعَةِ وَخُطَبَاتُهَا....، "كَانَ أَهْلُ الْبَيْتِ يُلْزَمُونَ
أَوْلَادَهُمْ بِحِفْظِهِمَا كَمَا يُلْزَمُونَهُمْ بِحِفْظِ الْقُرْآنِ"؛ برای حضرت زهرا عليها السلام
حجت های رسا و دو خطبه [سخنرانی در مسجد و سخنرانی برای
زنان مدینه در منزل] وجود دارد که "اهل بیت عليهم السلام فرزندان خود را به
حفظ آنها الزام می کردند همان طور که به حفظ قرآن الزام می کردند."»

(المراجعات، نامه ۱۰۴، بند ۲)

خطبه فدکيه

جهاد تبیین مظلوم مقتدر

ناشر: انتشارات جامعة الزهراء ع.ا.ع.

نوبت و سال نشر: اول / پاییز ۱۴۰۳

شابک: ۹-۰۸-۸۱۸۸-۶۲۲-۹۷۸

ارتباط با ما: ۰۲۵-۳۲۱۱۲۵۴۴

pub_alzahra@gmail.com



انتشارات جامعة الزهراء

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است.

غیرقابل فروش

مقدمه

ماجرای ایراد خطبه نورانی و روشنگرانه فدکیه به حادثه عظیمی باز می‌گردد که پس از رحلت پیامبر عظیم الشان حضرت محمد ﷺ در جهان اسلام در شهر مدینه روی داد و آن، تغییر مسیر خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علی ﷺ از پیامبر اسلام ﷺ بود. ولایت و جانشینی آن حضرت، در طول دوران بعثت به اشکال و روایات مختلف مطرح شده بود و این ولایت در روز عید غدیر خم به امر خداوند متعال در جمع عظیم مسلمانان به صورت رسمی به عموم مردم اعلام و با بیعت مردان و زنان با ایشان استوار گردید.

بعد از رحلت غمبار و جانکاه پیامبر ﷺ، سرزمین فدک که در سال هفت هجری به دستور خداوند و به واسطه پیامبر ﷺ به حضرت فاطمه ﷺ بخشیده شد و در اختیار ایشان قرار گرفت، مصادره شد. حضرت زهرا ﷺ که می‌دیدند تغییر خلافت (جانشینی پیامبر اسلام ﷺ) و نادیده گرفتن مبانی و احکام اسلامی، جامعه را گرفتار انحراف شدید از دین می‌کند و گرایش به افکار و آداب جاهلیت شرک آمیز را موجب می‌شود، در مقابل غاصبان فدک، برای دادخواهی و قیام بر حق، عموم مهاجرین، انصار و مسلمین را مورد خطاب قرار دادند و خطبه غزا، روشنگرانه و ماندگار فدکیه را ایراد فرمودند که بسیاری از حقایق در آن افشا شد. به تعبیر مرحوم علامه مصباح یزدی ﷺ: «آن حضرت مسائل بسیار مهمی را بیان فرمودند که این مطالب به ویژه در آن عصر، تنها از زبان مبارک حضرت زهرا ﷺ قابل بیان بود. بدین ترتیب بسیاری از عقائد، دستورات کم برای آیندگان روشن شد. اگر کسی بگوید این خطبه حضرت زهرا ﷺ ضامن بقای مذهب تشیع شد، سخنی به گزاف نگفته است». (رسانترین دادخواهی و روشنگری، ج ۱، ص ۸۴)

آن حضرت در خطبه فدکیه به آیات فراوانی از قرآن کریم استدلال و استشهاد نمودند. ایشان در این خطبه، ضمن بیان حمد و سپاس الهی، شهادت بر وحدانیت و اوصاف ربوبی، شهادت به رسالت نبوی ﷺ و نیز خدمات و زحمات طاقت فرسای آن حضرت، اهمیت تمسک به قرآن و اسرار بعضی معارف و دستورات اسلامی به مسائل دیگری همچون نظام دینی، ولایت و جایگاه اهل بیت ﷺ پرداختند. آن حضرت فداکاری‌ها، جان فشانی‌ها، زنج‌ها، زحمات و خدمات امیرالمؤمنین علی ﷺ در معرفی، تبلیغ و پیشبرد اسلام را یادآور شدند و نسبت به بازگشت به دوران جاهلیت در لباس

اسلام، سپردن مسئولیت‌ها به ناهالان و وقوع فتنه در دین هشدار دادند. ایشان مردم را به آینده‌ای روشن، سرشار از وحدت و همدلی، معنویت و سعادت، با تبعیت از امام علی علیه السلام نوید دادند و آینده‌ای تاریک، همراه با اختلاف و دشمنی، ناامنی و ترس، تغییر معارف و احکام الهی را در صورت عدم تبعیت از حق، را پیش بینی و گوشزد نمودند و در پایان به غضب فدک و استیفای حق خویش پرداختند.

خطبه فدکیه از خطبه‌های مشهوری است که علمای بزرگ شیعه و اهل سنت با سلسله سندهای بسیار آن را نقل کرده‌اند و بر خلاف نظر بعضی افراد، هرگز خبر واحد نیست. خطبه آن حضرت با سندهای متعدّد در کتب مورد اعتماد شیعه و اهل سنت ذکر شده است. از جمله راویانی که این خطبه را روایت کرده‌اند: امام حسین علیه السلام، امام باقر علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام، عبدالله بن حسن بن حسن، عایشه (همسر رسول خدا) و ... می‌باشند.

برخی از منابعی که این خطبه در آنها ذکر شده:

۱. سید مرتضی در «شافی» این خطبه را از عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است.

۲. مرحوم طبرسی در «احتجاج» آن را آورده است.

۳. سید ابن طاووس در «طرائف» قسمتی از خطبه را از کتاب «المناقب» احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی که از معارف اهل سنت است از عایشه نقل می‌کند.

۴. ابن ابی الحدید معتزلی دانشمند معروف اهل سنت، در «شرح نهج البلاغه» در شرح نامه «عثمان بن حنیف» در فصل اول تصریح می‌کند: اسنادی را که من برای این خطبه در این جا آورده‌ام از هیچ یک از کتب شیعه نگرفته‌ام.

۵. علی بن عیسیٰ اربلی در «کشف الغمّة» آن را از «سقیفه و فدک» ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری آورده است.

۶. شیخ صدوق بعضی از فرازهای آن را در «علل الشرائع» ذکر نموده است.

۷. فقیه و محدّث بزرگ مرحوم شیخ مفید نیز در «أمالی» اشاره به فدک دارد.

۸. مسعودی در «مروج الذهب» اشاره اجمالی به خطبه مزبور دارد.

۹. ابوالفضل احمد بن ابی طاهر، خطبه را در «بلاغات النساء» ذکر نموده است.

در این کتاب، خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام از کتاب «احتجاج» عالم بزرگ و شهیر مرحوم علامه

طبرسی رحمته الله نقل شده و ترجمه آن از ترجمه‌های متعدد از جمله آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، بخش گنجینه معارف، تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۵) و مرحوم علامه مصباح یزدی رحمته الله (رساترین دادخواهی و روشنگری، ج ۱ و ۲)، استفاده شده است.

صدیقه کبری و دخت فرزانه رسول خدا صلی الله علیه و آله مقتدرانه به پا خاستند و برای تبیین و مطالبه حق، مسجد پیامبر را که مناسب‌ترین مکان برای یک حرکت حق طلبانه و محلّ تجمّع مردم بود، انتخاب کردند.

در مسجد نقطه‌ای مناسب برای استقرار پاره وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و میوه قلب او در نظر گرفته شد و پرده‌ای نصب گردید.

ایشان زمانی که توده‌های مردم، سران مهاجر و انصار و ابوبکر در مسجد حضور داشتند، به همراه گروهی از بانوان بنی هاشم و برجسته به گونه‌ای با وقار، با صلابت و با عظمت به مسجد وارد شدند و پشت پرده نشستند. ایشان با این تدابیر ظریف و دقیق، امکان تحریف را از تاریخ‌اندیشان و منافقان گرفتند.

سپس ناله‌ای جان سوز از دل برآوردند که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد به سختی به لرزش درآمد. آنگاه کمی سکوت نمودند تا فریاد و همه‌همه خاموش شد. پس از آن کلام خود را با حمد و ثنای خداوند متعال آغاز کردند و بر رسول خدا درود فرستادند که مجدداً در این هنگام صدای گریه مردم بلند شد. وقتی ساکت شدند آن حضرت به ایراد خطبه خود پرداختند.

خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش پروردگار و شکر نعمت های او

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أُهْمَ وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَسُبُوغِ آلاءِ أَسْدَاهَا، وَتَمَامِ مِثْنِ أَوْلَاهَا = حمد مخصوص خداوند است به خاطر نعمت هایی که به ما ارزانی داشت، و شکر برای او بر آنچه [از خوبی ها و بدی ها] الهام فرمود. و مدح و ثنا بر نعمت های فراوانی که از آغاز به ما عطا فرمود. و بر مواهب بی حسابی که به ما احسان فرمود، و بر تمام عطایای پی در پی که همواره را مشمول آن ساخت.

جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا، وَنَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَتَفَاوَتْ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبَدُهَا = نعمت هایی که تعداد آنها از شماره بیرون است و به خاطر گستردگی در طول زمان، هرگز قابل جبران نیست و پایان آن از درک انسان ها خارج است.

وَ نَدَبَهُمْ لِإِسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِتِصَالِهَا وَاسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِحْرَافِهَا، وَتَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أُمَّتِهَا = بندگان را برای افزایش و استمرار این نعمت ها به شکر خویش فراخواند. و خلائق را با بخشش های فراوان، به ستایش خود دعوت نمود و آنان را برای بدست آوردن امثال آنها تشویق فرمود.

انتشارات جامعة الزهراء علیها السلام

شهادت و گواهی فاطمه علیها السلام به توحید

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا وَصَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُوعَهَا، وَ أَنْتَرَفِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا. أَلْتَمَنَعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيِيَّتَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسِنِ صِفَّتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ = و شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست و شریک و مانند ندارد. کلمه ای که باطن آن را اخلاص قرار داده است و راه رسیدن به آن را به قلوب گره زده و درک آن را در فکر پرتوافکن نمود. خدایی که رؤیتش با چشم ها غیر ممکن است، و بیان اوصافش با زبان ها محال، و درک ذات مقدّسش برای پندار و اندیشه ها ممتنع است.

إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ مَا قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا اخْتِدَاءٍ أَمْثَلَهَا. كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيئَتِهِ =

موجودات را آفرید بی آن که چیزی پیش از آن وجود داشته باشد. و همه آنها را ایجاد کرد، بی آن که از الگو و مثالی قبل از آن پیروی نماید، آنها را با قدرتش هستی بخشید و به اراده اش خلق کرد.

مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَايِدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيهاً عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعْبُدًا لِبِرِّيَّتِهِ وَإِعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ = بی آن که به آفرینش آنها نیاز داشته باشد، و فایده‌ای از صورت‌بندی آنها نصیب او شود، جز این که می‌خواست حکمتش را از این طریق اثبات نماید. و بیدارباشی برای اطاعتش باشد. و قدرت خود را نشان دهد. و بندگانش را به عبودیت خود رهنمون کند. و دعوت خویش را قوت بخشد.

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاثَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ = سپس برای اطاعتش پاداش و برای معصیتش کیفر قرار داد. تا بندگانش را از عذاب خویش دور سازد و به سوی بهشت سوق دهد.

شهادت فاطمه علیها السلام به نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَ انْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ، وَ سَمَاءً قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ اِتَّبَعْتُهُ = و گواهی می‌دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. او را انتخاب کرد پیش از آن که او را [به سوی مردم] بفرستد. و او را برای [این مقام] نامزد فرمود پیش از آنکه او را برگزیند و قبل از بعثتش او را پاکیزه و تصفیه نمود.

إِذِ الْخَلْقِ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةً، وَ بَسْتِرِ الْأَهْوَالِ مَصُونَةً، وَ بِمَهَابَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةً. عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ [بِمَائِلِ] الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ = در آن هنگام که خلاق در عالم غیب پنهان بودند و در پشت پرده‌های حیرت‌انگیز نیستی، پوشیده و قرار داشتند و با نهایت نیستی همراه بودند. این، به خاطر علم خداوند به عاقبت کارها بود و اینکه به حوادث جهان احاطه داشته و امور را به خوبی می‌دانست.

إِتِّعَتْهُ اللَّهُ إِتْمَامًا لِأَمْرِهِ وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْصَاءِ حُكْمِهِ وَ إِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ حُكْمِهِ = او را مبعوث کرد تا کار خویش را تکمیل و به پایان برد، و حکمش را اجرا و مقدرات حتمی‌اش را نافذ گرداند.

فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عَكْفًا عَلَى نِيَرَانِهَا، [وَ] عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا = پس [پیامبر] مشاهده کرد که امت‌ها در دین خود فرقه فرقه گشته‌اند. گروهی در آتشکده معتکف و گروهی به

عبادت بت های خویش مشغول هستند. و با این که خدا را شناخته اند، او را انکار می کنند.
 فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ [ع] ظَلَمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا = پس خداوند به واسطه پدرم محمد [ع] ظلمت ها را روشن کرد و شبهه و ابهامات را از دل ها کنار زد و ابرهای تیره و تار را از روی چشم ها برطرف ساخت.

وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ مِنَ الْعَوَاثِيَةِ وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ = و برای هدایت مردم قیام کرد، و آنها را از گمراهی نجات و چشم های آنان را بینا ساخت و از کوردلی رهانید. و آنان را به دین محکم و استوار هدایت و به راه راست دعوت فرمود.

اشاره به رحلت پیامبر [ع]

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافِعَةٍ وَ اخْتِيَارٍ وَ رَغْبَةٍ وَ اِيْثَارٍ، فَحَمَدُ [ع] مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ = سپس خداوند او را با محبت و اختیار و از روی رغبت و ایثار و ایشار قبض روح کرد. سرانجام محمد [ع] از رنج این خانه دنیا آسوده شد.

قَدْ حَفَّ بِالمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ، وَ مُجَاوِرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ = و اینک در میان فرشتگان برتر و خشنودی پروردگار آمرزنده و در جوار قرب خداوند جبار قرار دارد.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ [رَضِيِّهِ]، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ = درود خدا بر پدرم، فرستاده خدا و امین خدا، وحی و منتخب او از میان خلق، و برگزیده او که سلام و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.

قرآن شناسی فاطمه [ع]

ثُمَّ التَّمَتَّتْ [ع] إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَ قَالَتْ: = سپس به اهل مجلس توجه نموده و فرمودند:
 أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرِهِ وَ مَهْيِهِ، وَ حَمَلَتْهُ دِينَهُ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ، وَ عَهْدٌ قَدَّمَ إِلَيْكُمْ = شما بندگان خدا مورد خطاب و امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امین های خدا بر خویشتن و مبلغان او به سوی امت ها می باشید. پیشوای حق الهی، در میان شماست. و عهدی که او را بسوی شما فرستاده است.

وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ، كِتَابُ اللَّهِ التَّاطِقُ، وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ الثُّورُ السَّاطِعُ، وَ الصِّيَاءُ اللَّامِعُ = و آنچه

[پیامبر ﷺ] بعد از خود در میان شما جانشین قرار داده [یعنی] کتاب گویا و ناطق الهی، و قرآن صادق و نوری درخشان، و شعائی پر فروغ است.

بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشَفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيَةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اِتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اِسْتِمَاعُهُ = [کتابی که] دلایلش واضح، باطنش آشکار، ظواهرش روشن و پیروانش به خاطر آن مورد غبطه و حسرت دیگران هستند. پیروی از آن [مردم را] به سوی رضوان رهبری می کند و گوش سپردن به آن، [انسان را] به ساحل نجات می رساند.

بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُنْفَسَرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْحَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَتُهُ الْمُتَوْهَبَةُ، وَ سَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ = از طریق آن [قرآن] می توان به حجت های روشن الهی و واجبات تبیین شده او [خدا] و محرمات ممنوعه و دلائل روشن و برهان های کافی و دستورات اخلاقی مطلوب و موارد مجاز و مباح و احکام و قوانین مکتوب او دست یافت.

اشاره به اسرار معارف و دستورات دین

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَظْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ = پس خداوند «ایمان» را سبب پاک شدن شما از شرک، و «نماز» را وسیله وارستگی شما از کبر و خود بزرگ بینی، و «زکات» را موجب تزکیه نفس و زیاد شدن روزی، و «روزه» را عامل تثبیت اخلاص قرار داد.

وَ الْحَجَّ تَثْبِيثاً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ اِمَامَتَنَا اَمَاناً لِلْفُرْقَةِ [مِنَ الْفُرْقَةِ]، وَ الْجِهَادَ عِزاً لِلْاِسْلَامِ = و «حج» را وسیله تقویت و استحکام دین، و «عدالت» را مایه هماهنگی و پیوند دل ها، و «اطاعت» ما را باعث نظام بخشی ملت، و «امامت» ما را موجب ایمنی از تفرقه و پراکندگی، و «جهاد» را وسیله عزت اسلام قرار داد.

وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِيْجَابِ الْاَجْرِ، وَ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قَايَةً مِنَ السُّخْطِ، وَ صِلَةَ الْاَرْحَامِ مَنَسَأَةً فِي الْعُمْرِ وَ مَمْنَاءً لِلْعَدَدِ = و «صبر و شکیبایی» را وسیله ای برای رسیدن پاداش حق و «امر به معروف» را وسیله ای برای اصلاح عموم مردم و «نیکی به پدر و مادر» را موجب حفظ شدن از خشم خدا و «صله رحم» را وسیله طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت قرار داد.

وَ الْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالَّذِي تَعْرِضُاَ لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَايِيلِ وَ الْمُتَوَازِينَ تَغْيِيْرًا لِلْبَحْسِ،

وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرِّجْسِ، وَاخْتِيَابَ القُدْفِ حِجَاباً عَنِ اللُّغَةِ، وَتَرْكَ السَّرِقَةِ إِجَاباً لِلْعِفَّةِ = و«قصاص» را وسیله حفظ خون‌ها و جان‌ها و «وفای به نذر» را زمینه‌ساز آمرزش و «کامل کردن پیمان‌ها و ترازو» را وسیله مبارزه با کم‌فروشی و کمبودها، و «نهی از شرابخواری» را سبب پاکسازی از پلیدی‌ها، و «پرهیز از تهمت و نسبت‌های ناروا» را مانع و سپری در برابر لعنت [پروردگار]، و «ترک دزدی» را برای حفظ عفت نفس، قرار داد.

وَ حَرَّمَ اللهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ. فَ«اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ». وَ أَطِيعُوا اللهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» = و خداوند شرک را برای اخلاص در بندگی حرام کرد. پس تقوای الهی پیشه کنید آن‌گونه که شایسته اوست، [از مخالفت فرمانش بپرهیزید] و از دنیا نروید مگر مسلمان باشید. و خدا را در آنچه امر کرده یا از آن نهی فرموده، اطاعت کنید و [راه علم و آگاهی را پیش گیرید] زیرا حقیقتاً از میان بندگان خدا، تنها عالمان [در مقابل عظمت و مقام او] ترس دارند.

بازشناسی جایگاه خود، پیامبر ﷺ و علی علیه السلام

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ، وَ أَبِي مُحَمَّدٌ ﷺ أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْوًا وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ سَهْطًا = سپس فرمود: ای مردم! بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد است (که صلوات و درود خدا بر او و خاندانش باد). آنچه می‌گویم اول و آخرش همین است، و آنچه را می‌گویم اشتباه نمی‌گویم [ضد و نقیض در آن راه ندارد] و در اعمالم راه خطا و خلاف حق نمی‌پویم.

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» = به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.

فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعَرَّفُوهُ تَحَدُّوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمِ الْمُعْزِي إِلَيْهِ ﷺ = هر گاه نسبت او را بررسی کنید و او را بشناسید، می‌بینید او پدر من بوده است نه پدر زنان شما! و برادر پسر عموی من بوده است نه برادر مردان شما. و چه پرافتخار است این نسب، درود خدا بر او و خاندانش باد.

فَبَلِّغْ بِالرِّسَالَةِ صَادِعاً بِالتَّدَاثِرَةِ، مَا بَلَغَ عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ صَارِباً شَبَّحَهُمْ، آخِذاً بِأَكْطَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ

رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ = پس، او رسالت خویش را انجام داد و مردم را به روشنی [از عذاب الهی] بیم داد. از طریقه و آئین مشرکان روی بر تافت و بر شانه‌های آنان می‌زد و راه نفس آنها را می‌گرفت [عرصه را بر آنها تنگ می‌کرد]. همواره با دلیل و برهان و اندرز سودمند مردم را به راه خدا دعوت می‌کرد.

يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ وَيُنَكِّتُ الْهَمَامَ، حَتَّىٰ اهْتَزَمَ الْجُمُعَ وَوَلَّوْا الدُّبُرَ وَحَتَّىٰ تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرِسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ وَشَيْطُ النَّفَاقِ = بت‌ها را درهم می‌شکست و مغزهای متکبران را می‌کوبید، تا جمع آنها متلاشی شد و عقب نشسته و گریختند. و تاریکی‌ها بر طرف گشته و صبح فرارسید، و چهره تابناک حق آشکار شد. و زعیم دین به سخن درآمد و زمزمه‌های شیاطین خاموش گشت و جمع فرومایه نفاق سرنگون شد. وَانْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْحِمَاصِ = و گره‌های کفر و اختلاف از هم گسسته و باز شد، و شما زبان به کلمه اخلاص (لا اله الا الله) گشودید، در حالی که گروهی اندک و تهی دست بیش نبودید.

بازشناسی جایگاه مهاجران و انصار

﴿وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ﴾، مُدَقَّةَ السَّارِبِ، وَ مَهْرَةَ الظَّامِعِ، وَ قَبَسَةَ الْعَجَلَانِ = آری، شما در آن روز بر لب پرتگاه آتش دوزخ قرار داشتید [و از کمی نفرت] همچون جرعه‌ای برای شخص تشنه و یا لقمه‌ای برای طمع‌کاران و یا شعله آتشی در کسی که شتابان به دنبال آتش می‌رود، بودید. وَ مَوَاطِيءِ الْأَقْدَامِ، تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْوَرَقَ (الْقَدَّ)، أذْلَّةَ حَاسِبِينَ، ﴿تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ﴾ مِنْ حَوْلِكُمْ = و زیر دست و پاها له می‌شدید، آب متعفن و گندیده می‌نوشیدید، و خوراکتان برگ درختان و پوست خشکیده بود. دلیل و بی‌اهمیت بودید و پیوسته از این می‌ترسیدید که دشمنان از اطراف، شما را بریبند.

فَأَنْفَذَكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ بِمُحَمَّدٍ ﷺ بَعْدَ اللَّتْبَاءِ وَالتِّي، وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمِ الرِّجَالِ وَ دُؤْبَانِ الْعَرَبِ وَ مَرَدَّةِ أَهْلِ الْكِتَابِ = اما خداوند تبارک و تعالی شما را به برکت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، بعد از آن همه ذلت و ناتوانی نجات بخشید. او با شجاعان درگیر شد و با گرگ‌های عرب و سرکشان یهود و نصاری پنجه درافکند.

اشاره به فضائل و خدمات امیرالمؤمنین علی (ع)

﴿كَلِمًا أَوْ قُدُوا نَارَ الْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ﴾، أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا = اما هر زمان آتش جنگ را برافروختند، خدا آن را خاموش کرد و هر گاه شاخ شیطان نمایان می‌گشت و فتنه‌های مشرکان دهان باز می‌کرد، [پدرم] برادرش [علی (ع)] را در کام آنها می‌افکند. فَلَا يَنْكُحُنَّ حَتَّى يَطَّأَ صِمَاحَهَا بِأَمْرِ اللَّهِ، وَيُحْمَدُ لَهَا بِسِنِّيهِ مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُحْتَمِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ = و او هرگز از این مأموریت‌های خطرناک باز نمی‌گشت، مگر زمانی که سرهای دشمنان را پایمال می‌کرد [کنایه از پیروزی] و آتش جنگ را با شمشیرش خاموش می‌نمود. او (علی (ع)) در راه خدا کوشا و زحمت‌کش بود و در انجام دستورات الهی بسیار تلاش می‌نمود.

قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُسْتَمِرًّا نَاصِحًا، مُحَدًّا كَادِحًا لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ = به رسول خدا (ص) نزدیک بود سید و سرور اولیای خدا بود. همیشه آماده (خدمت) و خیرخواه مردم بود و با جدیت و زحمت تلاش می‌نمود و در راه خدا به سرزنش و ملامت‌گری اعتنا نمی‌کرد. وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَإِدْعُونَ فَاكْهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِّ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفْرُونَ عِنْدَ الْفِتَالِ = و حال آن که شما در رفاه و خوشی، آسایش، نعمت و امنیت بسر می‌بردید و انتظار می‌کشیدید که گردش روزگار علیه ما (اهل بیت (ع)) بچرخد و منتظر شنیدن اخبار (بد درباره ما) بودید. و هنگام جنگ عقب نشینی و از نبرد فرار می‌کردید!

انتشارات جامعة الزهراء

آسیب شناسی جامعه در بیانات فاطمه (ع)

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ (ع) دَارَ أُنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِيْنَ، وَ نَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِيْنَ، وَ هَدَرَ فَيْيُقُ الْمُتَبَطِّلِيْنَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ = اما هنگامی که خداوند سرای انبیاء [خانه آخرت] را برای پیامبرش برگزید و جایگاه برگزیدگان را منزلگاه او ساخت، کینه‌ها و خارهای نفاق در میان شما ظاهر گشت و لباس دین، پوسیده و کنار رفت. گمراهان لب فرو بسته به سخن درآمدند و فرومایگان گمنام سر بلند کردند، و نعره‌های باطل برخاست و در صحنه اجتماع شما، مشغول به حرکت و جولان شد.

وَ أَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَازِهِ هَاتِفًا بِكُمْ، فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَوَةِ فِيهِ مَلَا حِظِيْنَ، ثُمَّ اسْتَمْتُمْ هَضْمَكُمْ خِفَافًا، وَ أَمْسَكْتُمْ فَالْفَاكُمُ غَضَابًا، فَوَسَّعْتُمْ غَيْرَ مَسْرَبِكُمْ = و

شیطان سرش را از مخفیگاه خود بیرون کرد و شما را دعوت کرد. پس شما را آماده پذیرش دعوتش و منتظر فریبش یافت، سپس شما را تحریک کرد و شما را چالاک برای حرکت یافت و شما را برانگیخت، پس شما را غضب آلود یافت. و نتیجه این شد بر غیر شتر خود علامت و نشانه زدید و در غیر آبشخور خود وارد شدید. [به امری که مربوط به شما نبود یعنی تعیین جانشینی پیامبر، وارد شدید].

هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلِمُ رَحِيْبٌ، وَالْمُجْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَالرَّسُوْلُ لَمَّا يُقْبِرُ. اِنْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» = این در حالی بود که هنوز زمان چندانی از عهد با پیامبر نگذشته بود، و زخم مصیبت وسیع و جراحات قلبی ما التیام نیافته و هنوز پیامبر ﷺ به خاک سپرده نشده بود، بهانه شما این بود که می ترسیم فتنه ای برپا شود! اما بدانید که در فتنه سقوط کردید. و همانا دوزخ به کافران احاطه دارد.

قرآن معیار حق و داوری

فَهِيَ هَاتِ مِنْكُمْ! وَ كَيْفَ بِكُمْ؟ وَ اَنَّى تُؤْفَكُونَ، وَ كِتَابُ اللّٰهِ بَيْنَ اَظْهُرِكُمْ، اُمُوْرُهُ ظَاهِرَةٌ وَ اَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَا يُحْتَمَى، وَ اَوَامِرُهُ وَّاضِحَةٌ = پس چه بعید است این کارها از شما! و شما را چه شده است؟ و به کجای می روید؟ با این که کتاب خدا، قرآن در جلو شماست، همه چیزش روشن و احکامش درخشان، نشانه هایش، برافراشته، و نواهی آن آشکار، و دستورات آن واضح است.

وَ قَدْ خَلَفْتُمُوْهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، اُرْغَبْتُمْ عَنْهُ تُرِيدُوْنَ؟ اَمْ بَغِيْرِهِ تَحْكُمُوْنَ؟ «يَسْئَلُ لِلظَّالِمِيْنَ بَدَلًا» = «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْمَقْسُوْرِيْنَ» = اما شما آن را پشت سر افکندید! آیا از آن، روی برتافته اید؟ یا به غیر آن حکم می کنید؟ این کار برای ستمکاران جایگزین بدی است. و هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است.

ثُمَّ لَمْ تَلْبِسُوْا الْاِرْيَابَ اَنْ تَسْكُنَ نَفْسُهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا = سپس درنگ نکردید مگر به اندازه ای که چموشی آن آرام گیرد و مهارش آسان شود.

ثُمَّ اَخَذْتُمْ تُورُونَ وَ قَدَّيْتُمْ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُوْنَ هَتَافَ الشَّيْطَانِ الْعُوِيِّ وَ اِظْفَاءَ اَنْوَارِ الدِّيْنِ الْحَقِيْقِيِّ وَ اِهْمَالَ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّبِيِّ = سپس آتش افروزی را شروع کردید، و شعله های آن را دامن زدید و ندای شیطان اغواگر را اجابت نمودید و به خاموش ساختن انوار دین تابناک و از بین بردن سنت های

پیامبر پاک پرداختید.

تَشْرَبُونَ حَسَوًا فِي اِزْتِعَاءٍ، وَ تَمْتَشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْحَمَرِ وَ الصَّرَاءِ وَ يَصِيرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرِ الْمُدَى وَ وَحْزِ السِّنَانِ فِي الْحَسَا = به بهانه گرفتن کف از روی شیر، آن را به کلی مخفیانه نوشیدید. و برای [توطنه علیه] خاندان و فرزندان او در مخفی‌گاه بیابان و لابلائی درختان به کمین نشستید. وضع ما مانند کسی است که کاردها، پیکر او را چاک چاک کرده و نوک نیزه بر دل او نشسته باشد!

وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِزْثَ لَنَا؟ ﴿أَلَمْ نَكْمِ الْجَاهِلِيَّةَ يَبْعُونَ؟ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؟﴾ أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ أَيَّ اِبْنَتِهِ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ أَأَغْلَبَ عَلَى إِزْثِي = و اینک شما چنین می‌پندارید که ما را ارثی نیست؟ آیا از حکم جاهلیت پیروی می‌کنید؟ چه کسی حکمش از خدا برای آنها که اهل یقینند بهتر است؟ آیا شما نمی‌دانید؟ آری برای شما همچون آفتاب روشن است که من دختر اویم. شما ای مسلمانان! آیا در ارث خود مغلوب [و محروم] شوم؟

غصب فدک و استشهاد فاطمه علیها السلام به قرآن

يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا ارِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا = ای فرزند ابی قُحافه! آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نبرم؟ چه سخن و کار ناروایی انجام داده‌ای!

أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ ﴿وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ﴾ إِذْ يَقُولُ: ﴿وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ﴾ وَ قَالَ فِيمَا افْتَضَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ: ﴿فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ﴾ وَ قَالَ: ﴿وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ وَ قَالَ: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ﴾ وَ قَالَ: ﴿إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ = آیا عمداً کتاب خدا را ترک گفتید و پشت سر افکندید؟ در حالی که می‌فرماید: و سلیمان از داود ارث برد. و در داستان حضرت یحیی بن زکریا آمده که به خدا عرض می‌کند: از نزد خود فرزند و جانشینی به من ببخش که از من و آل یعقوب ارث ببرد. و نیز می‌فرماید: و خویشاوندان بعضی نسبت به دیگری در کتاب خدا سزاوارترند و می‌فرماید: خداوند درباره فرزندان تا به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر به اندازه سهم دو دختر است. و فرموده: اگر کسی مالی از خود بگذارد، برای پدر و مادر و نزدیکان بطور شایسته وصیت کند. این حقی است بر پرهیزکاران.

وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَالِي وَلَا أَرِيثَ مِنْ أَبِي؟ وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا؟ أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَنْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمَ بِمُحْضِصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟ = شما چنین پنداشتید که برای من هیچ بهره‌ای نیست و ارثی از پدرم نمی‌برم؟ و نسبت و خویشاوندی در میان ما نیست؟! آیا خداوند آیه‌ای به شما اختصاص داده و پدرم را از آن خارج کرده؟ یا می‌گویید: پیروان دو ملت از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ و آیا من با پدرم اهل یک دین

نیستیم؟ یا شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عمومیم داناترید؟

فَدُونَكهَا مُحْضَوْمَةٌ مَرْحُومَةٌ، تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعْمَ الْحُكْمُ اللَّهُ، وَالرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَ الْمُوْعَدُ الْقِيَامَةُ = [حال که چنین است] پس بگیر آن [خلافت و فدک] را در حالی که آماده بهره برداری است. ولی بدان در روزی که محشور شوی با تو روبرو خواهد شد. پس در آن روز خداوند چه خوب داوری است و مدعی تو، محمد ﷺ و زمان داوری قیامت.

وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَحْسُرُ الْمُبْطِلُونَ وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَ «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ». «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُعْزِبُهُ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ» = و در قیامت اهل باطل زیان خواهند دید. و آنگاه که پشیمان گردید، دیگر نفعی به شما نمی‌رسد و برای هر خبر و کاری، سرانجامی است و به زودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد.

یاری خواهی فاطمه ﷺ از انصار و مردم

تُمْ رَمَتْ بِظَرْفِهَا حُخَّوَالْأَنْصَارِ فَقَالَتْ: يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ [الْفِتْيَةِ] وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَصَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْعَمِيْرَةُ فِي حَقِّي وَ السِّنَّةُ عَنْ ظَلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ» = سپس به سوی انصار توجه نمود و فرمود: ای جوانمردان و ای بازوان ملت و نگهبانان اسلام! این چه سستی و ضعف در حق من است؟ و چه غفلت و تغافل است نسبت به ظلم بر من؟ آیا رسول خدا ﷺ، پدرم نمی‌فرمود: «احترام هر کس در احترام به فرزندانش حفظ می‌شود».

سَرْعَانَ مَا أَخْدَشْتُمْ وَ عَجْلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ وَ قُوَّةٌ عَلَيَّ مَا أَظْلُبُ وَ أُرَاوِلُ. أَتَقُولُونَ مَا تَ مُحَمَّدٌ ﷺ = چه زود اوضاع را دگرگون ساختید. و چه با سرعت به بیراهه رفتید، با این که توانایی بر درخواست من [احقاق حق من] دارید و قدرت بر آنچه مطالبه می‌کنم در اختیار شماست. در حالی که من با کوشش آن را جستجو می‌کنم! آیا می‌گوئید: محمد ﷺ از دنیا رفت و همه چیز تمام شد؟

فَخَطَّبَ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَمَرَّ فَتَقَهُ وَانْفَتَقَ رَثْمُهُ، وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَانْتَشَرَتِ التُّجُومُ لِصَيْبَتِهِ، وَ أَكْدَتِ الْأَمَالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أَصْبَحَ الْحَرِيمُ، وَ أَرِيَلَتِ الْحُزْمَةُ عِنْدَ مَاتِهِ = آری مرگ او مصیبت و حادثه‌ای بزرگ بود که اثرش همه جا را گرفت، و شکافش آشکار، و پیوستگی‌ها، گسسته شد. زمین از غیبت او تاریک، و خورشید و ماه بی فروغ، و ستارگان پراکنده شدند. و امیدها به آخر رسیده، به یأس مبدل گشت. و کوه‌ها متزلزل گردید. و حریم‌ها شکسته و حرمت‌ها از بین رفت.

فَبَلِّغْ وَ اللَّهُ التَّائِبَةَ الْكُبْرَى، وَ الْمُصِيبَةَ الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا تَائِلَةً، وَ لَا بَائِقَةً عَاجِلَةً، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ فِي أَفْئِيتِكُمْ وَ فِي مَسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَفْئِيتِكُمْ هَتَافًا وَ صَرَخًا، وَ تِلَاوَةً وَ الْحَانَاءُ = به خدا سوگند، این عظیم‌ترین فاجعه، و بزرگترین مصیبتی است که مثلش نیامده و هیچ ضایعه‌ای با آن برابر نیست. کتاب خداوند متعال قبلاً آن را اعلان و خبر داده بود. [همان قرآنی] که در خانه‌های شماست و صبح و شام با صدای بلند و فریاد و یا آهسته و با لحن‌های مختلف خوانده می‌شود. وَ لَقَبَلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُئِيبُهُ حُكْمٌ فَضْلٌ، وَ قَصَاءٌ حَمِيمٌ. ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ = و قبل از او برای پیامبران الهی پیش آمده بود. مرگ، فرمان تخلف ناپذیر الهی و سرنوشت حتمی است. [آری، قرآن صریحاً فرموده: مُحَمَّدٌ ﷺ فقط فرستاده خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب بر می‌گردید؟] (به دوران جاهلیت و کفر باز می‌گردید؟) و هر کس به عقب بازگردد، هرگز به خداوند ضرری نمی‌زند و خداوند بزودی شاکران را پاداش خواهد داد.

فاطمه علیها السلام انصار را به حق طلبی و دادخوانی فرا می‌خواند

إِيهَابِي قَيْلَةً! أَأَهْضَمَ ثُرَاتِي أَبِي وَأَنْتُمْ مِمْرَأِي مِثِّي وَمَسْمَعِي وَمُنْتَدِي وَمَجْمَعِي؟ تَلْبِسُكُمْ الدَّعْوَةَ وَتَشْمَلُكُمْ الْحُبْرَةَ = ای فرزندان «قیله»! آیا میراث پدرم پایمال و نابود گردد و شما آشکارا می‌بینید و می‌شنوید و در مجلس و انجمن هستید و دعوت [و طلب یاری من] به شما می‌رسد و باز هم خاموش نشست‌اید؟!؟

وَأَنْتُمْ دُؤُو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْحِجَّةُ، تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةَ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ

الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِيْثُونَ [تُعِيْثُونَ] = با این که شما دارای نفرات و تجهیزات و قدرت و سلاح و سپر هستید، دعوت من به شما می رسد ولی پاسخ نمی دهید و فریاد دادخواهی من در میان شما طنین انداز است اما به کمک من نمی آید.

وَ أَنْتُمْ مَوْضُوعُونَ بِالْكَفَّاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ وَ التُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبْتَ وَ الْحِيْرَةُ الَّتِي اخْتِيْرْتَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ وَ كَافَحْتُمُ الْجَهَمَ = با این که شما در شجاعت و جنگاوری زبازد و به خیر و صلاح شناخته شده اید. و شما برگزیدگان و بهترین هایی بودید که برای ما اهل بیت انتخاب شدید. با [مشرکان] عرب پیکار کردید و سختی ها و رنج ها را تحمل نمودید. و با امت ها و ملل روبرو شدید و با دلاوران مبارزه کردید.

لَا تَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُونَهُ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَارِ رَحَى الْإِسْلَامِ وَ دَرَ حَلَبُ الْأَيَّامِ وَ خَصَعَتْ ثَغْرَةَ الشَّرِكِ وَ سَكَنَتْ فَوْزَةَ الْأُفُفِ وَ حَمَدَتْ نَيْرَانَ الْكُفْرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةَ الْمُهْجِجِ، وَ إِسْتَوْسَقَ [اسْتَوْثَقَ] نِظَامُ الدِّينِ = پیوسته با ما حرکت می کردید و در خط ما قرار داشتید. دستورات ما را گردن می نهادید و سر بر فرمان ما داشتید، تا آسیاب اسلام بر محور ما به گردش درآمد و [خیرات و برکات همچون] شیر در پستان مادر روزگار فراوان گشت و نعره شرک فرو خفت و فوران دروغ و بهتان فرو نشست. آتش کفر خاموش گشت، و دعوت به فتنه و آشوب فروکش کرد و نظام دین سامان یافت و استوار گردید.

سرزنش مردم و احتجاج فاطمه علیها السلام

فَأَنَّى حُرْمَتُ بَعْدَ الْبَيَانِ؟ وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ؟ وَ تَكْصَمُ بَعْدَ الْإِقْدَامِ؟ وَ أَسْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟ «الْأَلْفَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمَا بِأَخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَّءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْتُمْ خَشَوْهُمْ فَالَلَهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» = پس چرا بعد از آن همه توضیح و شفافیت سرگشته و حیران مانده اید؟ چرا بعد از آشکار شدن [حقائق] پنهان کاری می کنید؟ و بعد از اقدام، [گذشته خویش را] رها می کنید؟ و بعد از ایمان راه شرک پیش گرفته اید؟ بدا به قومی که سوگندهای خود را بعد از پیمان شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته اند، در حالی که اول، آنان بودند که دشمنی و پیکار را آغاز کردند. آیا از آنها می ترسید؟ در حالی که سزاوارتر است از خداوند بترسید، اگر مؤمن هستید.

أَلَا قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخُنْفِصِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، قَدْ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالصَّبِيقِ مِنَ السَّعَةِ = آگاه باشید من چنین می بینم که شما به راحتی و عافیت طلبی روی آورده اید.

و کسی را که از همه برای حلّ و فصل و اداره امور مسلمین شایسته تر بود کنار زدید. و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن دادید و از فشارها و تنگناها به سعه و راحتی [بی ددرسر] روی آوردید. فَجَجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ لَهُ ﴿إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ اللَّهَ لَعَنِي حَمِيدٌ﴾ = آری، آنچه را از ایمان در درون داشتید، بیرون افکندید و آنچه گوارا نوشیده بودید، بالا آوردید! پس [بدانید خداوند می فرماید: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، قطعاً خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است»].

أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَى مَعْرِفَةِ مَيِّ بِالْحَذَلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ وَالْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ = آگاه باشید من آنچه را باید بگویم، گفتم. بخوبی آگاهم که خواری و ذلت با گوشت و پوست شما آمیخته، و بی وفائی قلب شما را فرا گرفته است.

وَلَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ حَوْزُ الْقَنَاةِ، وَ بَيْتَةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِيمَةُ الْحُجَّةِ = ولی اینها غصه های دل بود [که لب ریز شد] و خشم هائی بود که بیرون ریخت. و ناله هائی بود که جاری گشت و اندوه سینه، و اتمام حجت بود.

فَدُونَكُمْ مَوْهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ نَقِيبَةَ الخُفِّ، بِاقِيَةِ العَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الجَبَّارِ، وَ سَنَارِ الأَبْدِ، مَوْصُولَةً بِـ ﴿نَارَ اللَّهِ الْمُوقَدَةَ * الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الأَقْيَدَةِ﴾. فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ. ﴿وَسَيَعْلَمُ الأَبْدِىُّ ظَلَمَوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ = پس این مرکب خلافت را بگیرد، بر آن سوار شوید. اما پشت آن زخم و پایش مجروح و لنگ است. و عار و ننگ آن ماندگار، و به غضب خداوند جبار نشانه دار و رسوایی ابدی همراه آن، و سرانجام به آتش برافروخته الهی که از دلها نشأت می گیرد منتهی خواهد شد. پس آنچه را انجام می دهید، در برابر چشم خداست. آنها که ستم کردند، بزودی خواهند دانست که بازگشتشان به کجاست!

وَ أَنَا ابْنَةُ ﴿نَذِيرُكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾، فَاعْمَلُوا ﴿إِنَّا عَامِلُونَ﴾ * وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾ = و من دختری پیامبری هستم که شما را از عذاب شدید بیم می داد، پس آنچه می خواهید انجام دهید. ما هم [کار خویش را] انجام می دهیم و انتظار بکشید، ما هم منتظر خواهیم ماند!

در اینجا سخنان روشنگرانه، درمندانانه، اما مقتدرانه و نگران از آینده اسلام و مسلمین حضرت فاطمه علیها السلام به پایان رسید. ابوبکر در پاسخ به آن حضرت، مطالبی را عنوان نمود که عصمت کبری حضرت زهرا علیها السلام پاسخ فرمودند. در ادامه، مطالب ابوبکر و پاسخ حضرت زهرا علیها السلام از کتاب «احتجاج»

آورده شده است.

پاسخ و اعتراف ابوبکر به مقام والای حضرت زهرا علیها السلام

فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ عُمَانَ، وَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَظُوفًا كَرِيمًا، رَعُوفًا رَحِيمًا، وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا، وَعِقَابًا عَظِيمًا = پس ابوبکر عبدالله ابن عثمان به او پاسخ داد و گفت: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، به راستی پدر تو با مؤمنان دلسوز، بزرگوار و سخی، رئوف و مهربان و بر کافران عذابی دردناک بود.

إِنْ عَزَوْنَا وَجَدْنَا أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَأَخَا الْفِكَ دُونَ الْأَخْلَاءِ، آتَرَهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ، وَ سَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَبِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا السَّعِيدُ وَلَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا الشَّقِيُّ بَعِيدٌ = اگر نَسَب او را بررسی کنیم می یابیم که ایشان پدر شماسست نه پدر سایر زنان، و او برادر همسر شماسست نه برادر سایر دوستان، او را بر هر دوست صمیمی مقدم داشت و در هر کار سختی یاری رساند. شما را دوست ندارد مگر انسان سعادتمند، و با شما دشمنی نمی کند مگر انسان شقاوتمند دور [از رحمت خدا].

فَأَنْتُمْ عِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ الْخَيْرَةُ الْمُتَنَجِّبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدَلُّنَا، وَإِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا = پس شما عترت پاک رسول الله صلی الله علیه و آله هستید که انتخاب شده و برگزیده هستید و راهنمایان ما بر کارهای خیر و مسیر ما به سوی بهشت هستید.

وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ، وَابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وُفُورِ عَقْلِكَ، غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَلَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ = و تو ای بهترین زنان و دختر بهترین پیامبران، در گفتارت صادقی، و در فراوانی عقلت سبقت گیرنده ای، حق تو قابل رد کردن و صداقت تو قابل اعتراض کردن نیست.

وَاللَّهِ مَا عَدَوْتُ رَأَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَلَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَالرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلُهُ = به خدا قسم من با رأی رسول الله صلی الله علیه و آله مخالفت نکردم و عملی انجام ندادم مگر به اذن او، و راهنما به اهل خویش دروغ نمی گوید.

استشهاد ابوبکر به عبارتی بر خلاف آیات قرآن

وَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَكَفَى بِهِ شَهِيدًا أَمِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَ لَا دَارًا وَ لَا عَقَارًا وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ التَّيْبُوتَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرُ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ مُحْكَمِهِ = همانا من خدا را شاهد می گیرم - و او برای شهادت کافی است - همانا از رسول

خدا رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: ما گروه انبیا نه طلائی به ارث می‌گذاریم و نه نقره‌ای و نه خانه‌ای و نه زمین و ملکی، و تنها ارث ما کتاب و حکمت و علم و نبوت است. و آنچه در دست ماست متعلق به ولی امری است که بعد از ماست، تا به نظر خویش درباره آن حکم کند،

وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكُرَاعِ وَالسَّلَاحِ يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ وَيُجَالِدُونَ الْمُرْدَةَ الْفُجَّارَ = و ما آنچه را شما مطالبه می‌کنی (سرزمین فدک)، برای تهیه اسب و سلاح قرار دادیم تا مسلمانان با آن در جنگ، و با کفار جهاد نمایند، و با آشوبگران و فتنه‌گران داخلی مبارزه کنند.

وَذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَحْدِي وَلَمْ أَشْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيِ عِنْدِي = و همه این کارها با اجماع مسلمانان انجام گرفت. من در این رأی، تنها نبودم و استبداد به خرج ندادم که تنها به رأی خویش عمل نمایم.

وَهَذِهِ حَالِي وَمَالِي هِيَ لَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ لَا تُزَوِي عَنْكَ وَلَا تَدْخُرْ دُونَكَ، وَأَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّةٍ أَيْبِكَ وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ = و این است حال من، و اموال من برای تو و در اختیار تو باشد. [این اموال] از شما منع نمی‌شود، و برای غیر تو ذخیره نخواهیم کرد. و تو سرور امت پدرت هستی و درخت پاکی برای فرزندان هستی.

لَا نَدْفَعُ مَالِكَ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا يُوَضَّعُ فِي فَرْعِكَ وَأَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبَاكَ؟ = ما آنچه برای تو فضل است، رد و انکار نمی‌کنیم، و از فرع و اصل تو چیزی کاسته نخواهد شد، حکم تو در اموالی که در اختیار من است نافذ خواهد بود. پس آیا گمان می‌کنی من [که اموال را در اختیار تو قرار دادم] درباره آن (سرزمین فدک) با پدرت مخالفت می‌کنم؟

پاسخ قرآنی و قاطع حضرت زهرا

فَقَالَتْ: سُبْحَانَ اللَّهِ مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقاً وَلَا لِأَحْكَامِهِ مَخَالِفاً، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَمْرَهُ وَيَقْفُو سُورَةَ = پس فاطمه فرمود: سبحان الله، پدر من روی‌گردان از کتاب خدا نبود، و مخالف با احکام آن نبود، بلکه پیوسته پیرو آن و تابع سوره‌های آن بود.

أَفْتَجْمَعُونَ إِلَى الْعُدْرِ اعْتِلَالاً عَلَيْهِ بِالزُّورِ؟! وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بَغِي لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ. پس آیا برای پیمان شکنی جمع می‌شوید؟ و برای عمل خود دروغی را بهانه می‌کنید؟ این عمل پس از وفات او شبیه نقشه‌هایی است که [برای قتل او] در زمان حیاتش کشیده شد.

هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا يَقُولُ «يَرْثِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» وَيَقُولُ «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ»
 = این کتاب خدا که داوری عادل و ناطقی روشن است می گوید: [زکریا گفت: خدایا ... جانشینی به من ببخش که] وارث من و دودمان یعقوب باشد و قرآن می گوید: و سلیمان از داود ارث برد.
 فَبَيَّنَ ﷺ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ وَ أَبَاحَ مِنْ حِطِّ الذُّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ مَا أَرَّاحَ بِهِ
 عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَ أَرَالَ التَّنْظِيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَايِرِينَ = و خدای ﷺ در آنجا که سهمیه ها را توزیع [و
 مشخص] و واجبات و ارث ها را تشریح، و سهم مردان و زنان را تعیین و آشکار فرمود به نحوی که
 توجیه باطل گویان را دور و گمانه زنی ها و شبهات را از گمراهان زدود.
 كَلَّا «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» = هرگز چنان نیست [که
 شما می گوئید] بلکه هوای نفس شما، امری را برایتان آراسته است. پس صبری نیکو باید، و خداوند
 بر آنچه توصیف می کنید یاری دهنده است.

اعتراف صریح ابوبکر به حَقَانِیَّتِ و حَجَّتِ بودن حضرت زهرا ﷺ

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: «وَصَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ» وَ صَدَقَتْ ابْنَتُهُ. أَثَّتْ مَعْدُنُ الْحِكْمَةِ وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةُ وَ رُكْنُ
 الدِّينِ وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابَكَ وَلَا أَنْكِرُ خَطَابَكَ = پس ابوبکر گفت: خدا و رسولش راست گفتند
 و دخترش راست گفت. تو معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت و رکن دین و سرچشمه دلیل
 و حجت هستی. من برحق بودن تو را بعید نمی شمارم و سخنان تو را انکار نمی کنم.
 هُوَ لِإِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بَاتِفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ غَيْرَ مُكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ
 لَا مُسْتَأْثِرٍ وَ هُمْ بِدَلِكِ شُهُودٌ = این مسلمانان هستند که بین من و تو هستند. آنچه به گردن گرفتم اینان
 به گردنم انداختند و آنچه را گرفتم با موافقت همه آنها گرفتم و زورگو و خودرأی و منفعت طلب نبودم
 و اینان بر این مطلب شاهدند.

اتمام حَجَّتِ حضرت زهرا ﷺ

فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ ﷺ إِلَى النَّاسِ وَ قَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ
 الْقَبِيحِ الْحَاسِرِ = پس فاطمه ﷺ رو به مردم کرد و فرمود: ای توده های مسلمین، که به سوی سخنان
 باطل با سرعت می روید، و اعمال زشت و زیان بار را چشم پوشی و نادیده می گیرید.

﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾؟ كَلَّا بَلْ زَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَنَسْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ = آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌ها قفل زده شده است؟ بلکه اعمال زشتی که مرتکب شده‌اید، دل‌هایتان را تیره کرده است. پس خدا چشم و گوشتان را گرفت.

وَلَيْسَ مَا تَأْتُلْتُمْ وَ سَاءَ مَا بِهِ اشْرُتُمْ، وَ شَرٌّ مِنْهُ مَا اغْتَصَبْتُمْ = و چه بد [آیات خدا] را تاویل کردید و زشت و قبیح است آنچه به آن اشاره کردید، و بدتر از آن، آنچه غصب کردید.

لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمِلَهُ شَقِيلًا وَ غَبِيهً وَ بِيلاً إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْعِظَاءُ وَ بَانَ مَا وَ رَأَتْهُ الصَّرَاءُ وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ ﴿وَ حَسِيرٌ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ﴾ = به خدا قسم این کار، بسیار گران تمام خواهد شد، و عاقبت بسیار وخیمی در پی خواهد داشت، زمانی که پرده برای شما کنار رود و سختی و بدبختی بعد از آن آشکار شود. و از طرف پروردگارتان آنچه را که فکر و حساب نمی‌کردید برای شما ظاهر شود. و در آن روز است که اهل باطل بسی زیان خواهند کرد.



انتشارات جامعة الزهراء